

بررسی اسناد زیارت عاشورا

سید محمد یزدانی

بهمن ماه: ۱۳۸۶

۳.....	بررسی اسناد زیارت عاشورا.....
۳.....	اسناد شیخ طوسی در المصباح.....
۳.....	سند اول :.....
۸.....	سند دوم :.....
۱۲.....	سند سوم :.....
۱۸.....	نتیجه گیری :.....
۱۸.....	اسناد ابن قولویه :.....
۲۱.....	نتیجه گیری :.....

بررسی اسناد زیارت عاشورا

استحباب خواندن زیارت عاشورا، از مسائلی است که تمامی علمای شیعه در طول تاریخ بر آن اتفاق داشته و حتی و بر خواندن روزانه آن اصرار نموده‌اند که این بهترین شاهد و دلیل بر صحت اسناد آن به معصوم علیه السلام است.

بی شک چنین روایتی که تمامی علمای شیعه از قدیم‌الایام تا کنون به آن عمل کرده و بر خواندن آن اصرار داشته‌اند، بی نیاز از بررسی سندی است؛ اما در عین حال سعی می‌کنیم در این مقاله به صورت مختصر سند آن را نیز مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

مصدر اصلی این زیارت نامه، دو کتاب معتبر؛ یعنی کامل‌الزیارات تألیف جعفر بن محمد بن قولویه قمی و مصباح‌المتهجد شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیهما است و این دو بزرگوار تقریباً با شش سند این زیارت را نقل کرده‌اند.

اسناد شیخ طوسی در المصباح

سند اول:

شیخ طوسی سند اصل زیارت عاشورا را این‌گونه نقل می‌فرماید:

قال صالح بن عقبه وسيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر عليه السلام: علمني دعاء أدعو به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب ودعاء أدعو به إذا لم أزه من قرب وأومات من بعد البلاد ومن داري بالسلام إليه. قال: فقال لي: يا علقمة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تومي إليه بالسلام فقل بعد الإيماء إليه من بعد التكبير هذا القول: فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به زواره من الملائكة... السلام عليك يا أبا عبد الله! السلام عليك يا ابن رسول الله! السلام عليك يا ابن المؤمنين وابن سيد الوصيين! السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين! السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور ...

مصباح‌المتهجد، الشيخ الطوسي، ص ۷۷۳ - ۷۷۴.

علقمه می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: دعایی به من آموزش بده که اگر در آن روز امام حسین علیه السلام از نزدیک زیارت کردم، آن را بخوانم و اگر نتوانستم از نزدیک زیارت کنم، از شهرهای دور و از خانه‌ام به سوی او با سلام اشاره کرده و آن دعا را بخوانم. امام فرمود: هر گاه که آن دو رکعت را به جا بیاوری و بعد از آن با سلام

به سوی آن حضرت اشاره کردی ، در حال اشاره تکبیر بگویی و بخوانی این زیارت را ، همان دعایی را خوانده‌ای که ملائکه در هنگام زیارت آن حضرت می‌خوانند ... سلام بر تو ای ابا عبد الله ...

ناگفته پیدا است که این سند با دو طریق نقل شده است که ما هر دو سند را بررسی خواهیم کرد :

طریق اول : صالح بن عقبه عن علقمه بن محمد عن أبي جعفر عليه السلام

طریق دوم : سيف بن عميره عن علقمه بن محمد عن أبي جعفر عليه السلام

بررسی طریق اول : از آن جایی که مرحوم شیخ طوسی روایت را از کتاب صالح بن عقبه نقل می‌کند ، باید طریق ایشان تا صالح بن عقبه نیز بررسی شود .

شیخ طوسی طریق خود را تا صالح بن عقبه این گونه بیان می‌کند :

صالح بن أبي الأسود ، له كتاب . و صالح بن عقبه ، له كتاب . أخبرنا بهما ابن أبي جيد ، عن ابن الوليد ، عن الصفار ، عن محمد بن الحسين ، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع ، عنهما .

الفهرست ، الشيخ الطوسي ، ص ۱۴۷ .

صالح بن عقبه ، کتابی دارد ؛ که آن را برای ما ابن ابی جید از ابن ولید و از صفار از محمد بن الحسین از محمد بن اسماعیل بن بزیر از او نقل کرده است .

پس در حقیقت سند روایت این گونه خواهد شد :

شیخ طوسی : علي بن أحمد بن محمد بن أبي جيد ، محمد بن حسن بن وليد ، صفار ، محمد بن الحسين ، محمد بن اسماعيل بن بزيع ، صالح بن عقبه ، علقمة بن محمد الخضرمي ، امام باقر عليه السلام .

طریق شیخ طوسی تا صالح بن عقبه درست است ؛ چنانچه آیت الله خویی در ترجمه صالح بن عقبه می‌فرماید :

وطریق الصدوق إليه : محمد بن موسى بن المتوكل ... والطریق كطریق الشيخ إليه صحیح ، وإن كان في الأول منهما : محمد بن موسى وعلي بن الحسين السعد آبادي ، وفي الثاني ابن أبي جيد ، لأنهم ثقات على الأظهر .

معجم رجال الحديث ، السيد الخوئی ، ج ۱۰ ، ص ۸۶ .

هر چند که همین تصریح مرحوم آقای خویی برای اثبات صحت إسناد شیخ تا صالح بن عقبه کفایت می‌کند ؛ اما برای استحکام اعتبار طریق ، روات سند را نیز بررسی می‌کنیم .

بررسی سند :

۱. **ابن ابی جید** : وی از اساتید شیخ طوسی و مرحوم نجاشی بوده و مشایخ مرحوم نجاشی همگی به اتفاق علما موثق هستند و نیازی به بررسی ندارند ؛ چنانچه مرحوم آیت الله العظمی خوبی رضوان الله تعالی علیه می فرماید :

طریق الشیخ إليه [صفار] صحیح فی غیر کتاب بصائر الدرجات ، بل فیہ أيضا علی الأظهر ، فإن فی طریقہ ابن ابی جید ، فإنه ثقة ، لأنه من مشایخ النجاشی .

سند شیخ تا صفار در غیر کتاب بصائر صحیح است . بلکه در آن کتاب نیز بنا بر اظهر چنین است . زیرا در آن ابن ابی جید است و او ثقة است . زیرا از مشایخ نجاشی است

۲. **محمد بن حسن بن ولید** : وی از اجلاء و بزرگان شیعه و خود از علمای جرح و تعدیل و بی نیاز از توثیق و تعریف است . مرحوم نجاشی او را این گونه می ستاید :

محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید أبو جعفر شیخ القمیین ، وفقیہم ، ومتقدمہم ، ووجهہم . ويقال : إنه نزیل قم ، وما كان أصله منها . ثقة ثقة ، عین ، مسکون إليه . رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۳۸۳ .

ابو جعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید ، بزرگ اهل قم و از دانشمندان و پیشوایان و سرشناسان قم بوده است ؛ ایشان از هر جهت مورد وثوق و اطمینان و مایه افتخار بوده است .

۳. **محمد بن حسن صفار** : مرحوم نجاشی در باره وی می گوید :

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار ... كان وجهها في أصحابنا القمیین ، ثقة ، عظیم القدر ، راجحا ، قليل السقط في الروایة .

محمد بن حسن ... او سرشناس شیعیان در قم بود ؛ مورد اطمینان و والا مقام ، برتر (از دیگران) و بسیار اندک از روایات وی سقط دارد .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۳۵۴ .

۴. **محمد بن الحسین بن ابی الخطاب** : مرحوم نجاشی در باره وی می فرماید :

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب أبو جعفر الزیات الهمدانی ، واسم أبی الخطاب زید ، جلیل من أصحابنا ، عظیم القدر ، كثير الروایة ، ثقة ، عین ، حسن التصانیف ، مسکون إلى روايته .

محمد بن حسین ... بزرگواری از شیعیان ، والا مقام ، روایت زیاد دارد ، مورد اطمینان ، مایه افتخار ، نوشته های وی نیکو است ، روایت وی مورد اعتماد است .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۳۳۴ .

۵. **محمد بن اسماعیل بن بزیع** : مرحوم نجاشی در باره وی می گوید :

محمد بن إسماعیل بن بزیع أبو جعفر مولى المنصور أبی جعفر ، وولد بزیع بیت ، منهم حمزة بن بزیع . كان من صالحی هذه الطائفة وثقاتهم ، كثير العمل .

محمد بن اسماعیل ... او در خاندانی به دنیا آمد که حمزه بن بزیع از ایشان است ؛ از نیکان شیعه و مورد اطمینان بوده و عمل بسیار داشت .

و در ادامه این روایت را نقل می کند :

أخبرنا والدي رحمه الله قال : أخبرنا محمد بن علي بن الحسين قال : حدثنا محمد بن علي ما جيلويه ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن علي بن معبد ، عن الحسين بن خالد الصيرفي . قال : كنا عند الرضا عليه السلام ، ونحن جماعة ، فذكر محمد بن إسماعيل بن بزيع ، فقال : " وددت أن فيكم مثله " .

پدرم به من گفت : محمد بن علی بن حسین گفت : محمد بن علی ماجیلویه به من روایت نقل کرد از ... گفت : ما گروهی نزد امام رضا علیه السلام بودیم ، پس یادی از محمد بن اسماعیل بزیع شد ، پس فرمودند : من دوست داشتم که در بین شما مثل او بود .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۳۳۰ - ۳۳۲ .

و مرحوم شیخ طوسی نیز در باره وی می فرماید :

محمد بن إسماعيل بن بزيع ، ثقة صحيح ، كوفي ، مولي المنصور .

رجال الطوسی ، الشيخ الطوسی ، ص ۳۶۴ .

۶ . صالح بن عقبه : وی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده و بزرگان

بسیاری از او نقل روایت کرده اند . مرحوم نجاشی وی را این گونه معرفی می کند :

صالح بن عقبة بن قيس بن سمعان بن أبي ريحة مولى رسول الله صلى الله عليه وآله ...

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۲۰۰ .

برخی از علمای شیعه و از جمله مرحوم سید بحر العلوم رضوان الله تعالی علیه اعتقاد دارند که بنای مرحوم شیخ طوسی در فهرست و مرحوم نجاشی در رجالش این بوده که راویانی را نقل کنند که امامی باشند و اگر غیر شیعه هستند ، حتماً ذکر می کنند ؛ پس هر راوی را که این دو بزرگوار به صورت مطلق آورده است ، دلالت می کند که صحیح المذهب و همچنین ممدوح به مدح عام هستند . ایشان در فائده دهم از فوائد الرجالیه می فرمایند :

فائدة الظاهر أن جميع من ذكر الشيخ في (الفهرست) من الشيعة الإمامية إلا من نص فيه على خلاف ذلك من الرجال : الزيدية ، والفضحية ، والواقفية وغيرهم ، كما يدل عليه وضع هذا الكتاب ، فإنه في فهرست كتب الأصحاب ومصنفاتهم ، دون غيرهم من الفرق .

و کذا (کتاب النجاشی) . فکل من ذکر له ترجمة في الكتابين ، فهو صحيح المذهب ممدوح بمدح عام يقتضيه الوضع لذكر المصنفين العلماء والاعتناء بشأنهم و شأن کتبهم ، و ذکر الطريق إليهم ، و ذکر من روی عنهم و من رووا عنه .

ومن هذا يعلم أن إطلاق الجهالة على المذكورين في (الفهرست) و (رجال النجاشي) من دون توثيق أو مدح خاص ، ليس علی ما ینبغي .

الفوائد الرجالية ، السيد بحر العلوم ، ج ٤ ، ص ١١١ ، ١١٦

نکته : ظاهر این است که هرکسی که شیخ او را در کتاب فهرست آورده ، شیعه دوازده امامی است ؛ مگر کسانی که در آنها تصریح به خلاف شده است ؛ که زیدی و فطحی و واقفی مذهب بوده است . و هدف شیخ از تألیف کتاب فهرست همین بوده است که فقط تألیفات شیعیان را گردآوری نماید .

و همچنین کتاب نجاشی ؛ هر کسی که در این کتاب ذکر کرده دارای مذهب صحیح ، شیعه دوازده امامی است و به صورت عمودم مورد مدح است ؛ چون مقصود نجاشی از تألیف کتاب بررسی تألیفات بزرگان شیعه و ذکر موقعیت آنان بوده است .

و از همینجا مشخص می شود که مجهول دانستن کسانی که در این دو کتاب نام ایشان آمده است ، اما توثیق یا مدحی ندارند شایسته نیست .

اگر کسی این مبنا را بپذیرد ، صالح بن عقبه نیز ممدوح به مدح عام از سوی مرحوم نجاشی و شیخ طوسی خواهد شد و حد اقل حسن او اثبات خواهد شد .

از این نیز که بگذریم ، دو تن از بزرگان روات شیعه ، محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و محمد بن اسماعیل بن بزیع از او روایت نقل کرده‌اند و این شاهدی است محکم بر وثاقت این شخص ؛ چرا که شخصی همانند محمد بن اسماعیل بن بزیع ، بعید است که از شخص ضعیف روایت نقل کند ؛ با این که امام هشتم علیه السلام در باره او فرمودند : « وددت أن فيكم مثله » .

البته ابن غضائری رحمت الله علیه ، صالح بن عقبه را تضعیف کرده است ؛ اما مرحوم آیت الله العظمی خویی رحمت الله علیه با قاطعیت سخن وی را رد کرده و می‌فرماید :

أقول : لا يعارض التضعيف المنسوب إلى ابن الغضائري ، توثيق علي بن إبراهيم ، لما عرف غير مرة من أن نسبة الكتاب إلى ابن الغضائري لم تثبت ، فالرجل من الثقات .

معجم رجال الحديث ، السيد الخوئی ، ج ١٠ ، ص ٨٥ - ٨٦

تضعیف منسوب به ابن غضائری با توثیق علی بن ابراهیم معارضه نمی کند . زیرا ثابت کردیم که انتساب کتاب به ابن غضائری ثابت نیست . پس این شخص از افراد مورد اطمینان است .

٧ . علقمة بن محمد الخضرمی : وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است . هر

چند که توثیق خاصی در باره وی در کلمات علما وجود ندارد و فقط مرحوم شیخ طوسی رحمت الله علیه در باره وی می‌فرماید :

[٣٧٣٢] ٦٤١ ، علقمة بن محمد الحضرمي الكوفي ، أسند عنه .

رجال الطوسی ، الشيخ الطوسی ، ص ٢٦٢ .

ولی مرحوم سید علی بروجردی از همین نکته و یک روایت دیگر ، حسن حال او را استفاده کرده و می گوید :

۴۹۰۵ ، علقمة بن محمد الحضرمي الكوفي ، أسند عنه " ق " وهو أخو أبي بكر الحضرمي كما في " قر " وكان علقمة أكبر من أخيه كما في حديث بكار عن أبيه عبد الله وعمه علقمة ، وحكى فيه مناظرة أبيه مع زيد ، وفيه اشعار على حسنه وكونه اماميا ثابت الاعتقاد .

طرائف المقال ، السيد على البروجردى ، ج ۱ ، ص ۵۲۷ .

شیخ طوسی در رجالش او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده و گفته است : با سند از وی روایت نقل شده است و نیز او را از اصحاب امام باقر شمرده و گفته است که او برادر اَبی بکر حضرمی و بزرگتر از او بوده است ؛ همان طوری که در حدیث بکار از پدرش عبد الله و عمویش علقمه آمده است . از این استفاده می شود که وی ممدوح و امامی و ثابت الاعتقاد بوده است .

در نتیجه روایت حد اقل حسنه است و علمای ما به روایت حسنه نیز همانند روایت صحیحه عمل می کنند . حتی اگر کسی این مطلب را نیز قبول نداشته باشد ، از آن جایی که در این طبقه ، صفوان بن مهران نیز وجود دارد و او قطعاً ثقة است ، سند روایت تمام خواهد شد که در سند بعدی این مطلب بررسی خواهد شد .

دوم:

پیش از این گفتیم که مرحوم شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه ، سند اصل زیارت را از دو طریق نقل می کند ، طریق اول را بررسی کردیم . طریق دوم را ایشان این گونه بیان می فرمایند :

سيف بن عميره عن علقمة بن محمد عن أبي جعفر عليه السلام

طریق شیخ به سیف بن عمیره نیز صحیح است ؛ چرا که تمامی آن ها از بزرگان روات شیعه هستند و احدی در وثاقت آن ها شک ندارد ؛ چنانچه مرحوم خوبی در این باره می فرماید :

وطریق الصدوق إليه : محمد بن الحسن ... والطریق کطریق الشیخ إليه صحیح .

معجم رجال الحدیث ، السید الخوئی ، ج ۹ ، ص ۳۸۳ .

علاوه بر تصریح مرحوم آقای خوبی ، ما همانند طریق قبلی ، فقط از باب تیمن و تبرک تمامی روات این طریق را نیز به صورت مستقل بررسی می کنیم و گر نه هیچ یک از آن ها نیازی به توثیق ندارند و فراتر از توثیق هستند . مرحوم شیخ طوسی در کتاب الفهرست ، طریقتش را تا سیف بن عمیره این گونه بیان می فرماید :

سیف بن عمیره ، ثقة ، کوفی نخعی عربی . له کتاب ، أخبرنا به عدة من أصحابنا ، عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه ، عن أبيه ومحمد بن الحسن ، عن سعد بن عبد الله ، عن أحمد بن محمد ، عن علي بن الحكم ، عن سيف بن عميرة .
الفهرست ، الشيخ الطوسی ، ص ۱۴۰ .

پس در حقیقت سند روایت به این صورت است :

شیخ طوسی : عدة از اصحاب و بزرگان شیعه ، محمد بن علي بن الحسين (شیخ صدوق) ، علي بن الحسين بن بابويه ، محمد بن الحسن بن ولید ، سعد بن عبد الله ، احمد بن محمد ، علي بن الحكم ، سيف بن عميره ، علقمة بن محمد الخضرمي ، امام باقر عليه السلام .

بررسی روایت سند :

۱ . عدة من اصحابنا : مقصود از این جمله ، عده‌ای از بزرگان شیعه ؛ از جمله شیخ مفید است ؛ چنانچه مرحوم صاحب معالم در توضیح «عدة من اصحابنا» که شیخ طوسی در برخی از کتاب‌هایش استفاده کرده است ، می‌گوید :

ورواياته عدة من أصحابنا ، وقد بينا في مقدمة الكتاب أن المفيد (ره) من جملة العدة عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين ابن بابويه القمي ، عن أبيه
منتقى الجمال ، الشيخ حسن صاحب المعالم ، ج ۱ ، ص ۲۰۲
ما در مقدمه کتاب روشن کردیم که شیخ مفید از جمله کسانی است که شیخ طوسی با عنوان « عدة من اصحابنا » از از شیخ صدوق و او از پدرش نقل می‌کند .

پس قطعاً سند در این جا هیچ مشکلی ندارد .

۲ . محمد بن علي بن الحسين (شیخ صدوق) : مرحوم نجاشی در باره وی می‌فرماید :
محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي أبو جعفر ، نزيل الري ، شيخنا وفقهنا ووجه الطائفة بخراسان ، وكان ورد بغداد سنة خمس وخمسين وثلاثمائة ، وسمع منه شيوخ الطائفة وهو حدث السن .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۳۸۹ .

محمد بن علی ... ساکن ری ، استاد ما و مرجع ما و سرشناس شیعیان در خراسان بود ؛ و در سال ۳۵۵ وارد بغداد شد و در حالیکه هنوز جوان بود بزرگان شیعه پای درس او حضور می‌یافتند .

و شیخ طوسی نیز می‌فرماید :

محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي ، جليل القدر ، يکنى أبا جعفر ، كان جليلا ، حافظا للأحاديث ، بصيرا بالرجال ، ناقدا للاخبار ، لم ير في القميين مثله في حفظه وكثرة علمه . له نحو من ثلاثمائة مصنف .

الفهرست ، الشيخ الطوسي ، ص ۲۳۷ .

محمد بن علی ... والا مقام ، کنیه اش ابو جعفر است ، وی بزرگوار بود و حافظ احادیث ، در علم رجال تخصص داشت ، و روایات را بررسی می کرد . در اهل قم مثل وی در حفظ (روایت) و کثرت علم دیده نشد . بیش از سیصد تألیف دارد .

۳ . علی بن الحسین بن بابویه : نجاشی در باره وی می گوید :

علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي أبو الحسن ، شيخ القميين في عصره ، ومتقدمهم ، وفقههم ، و ثقهم . كان قدم العراق واجتمع مع أبي القاسم الحسين بن روح رحمه الله وسأله مسائل ثم كاتبه بعد ذلك علي يد علي بن جعفر بن الأسود ، يسأله أن يوصل له رقعة إلى الصاحب عليه السلام ويسأله فيها الولد . فكتب إليه : " قد دعونا الله لك بذلك ، وسترزق ولدین ذکرین خیرین " . فولد له أبو جعفر وأبو عبد الله من أم ولد . وكان أبو عبد الله الحسين بن عبيد الله يقول : سمعت أبا جعفر يقول : " أنا ولدت بدعوة صاحب الامر عليه السلام " ، ويفتخر بذلك .

علی بن الحسین ... بزرگ اهل قم در زمان خودش ، و پیشوای ایشان و فقیه ایشان و مورد اطمینان ایشان ؛ به عراق آمد و با ابو القاسم حسین بن روح نایب خاص سوم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداه همراه شد ، و از او در مورد مسائلی سوال پرسید ؛ و سپس توسط علی بن جعفر بن اسود با وی نامه نگاری کرد و از وی می خواست که نامه به دست امام زمان برساند و در آن از حضرت خواسته بود که فرزندی به وی عطا شود . پس به او پاسخ دادند : ما برای تو به آنچه خواستی دعا کردیم و خداوند به تو دو پسر نیکو خواهد داد . پس برای وی ابو جعفر و ابو عبد الله از کنیزی متولد شدند . و ابو عبد الله حسین بن عبيد می گفت : از ابا جعفر شنیدم که می گفت : من با دعای صاحب الامر به دنیا آمده ام ؛ و به آن افتخار می کرد .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۲۶۱ .

و شيخ طوسی می فرماید :

علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رضي الله عنه ، كان فقيها جليلا ، ثقة . وله كتب

كثيرة .

الفهرست ، الشيخ الطوسي ، ص ۱۵۷ .

۴ . محمد بن الحسن بن وليد :

در سند گذشته در باره وی بحث کردیم .

۵ . سعد بن عبد الله : نجاشی در توصیف وی می فرماید :

سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري القمي أبو القاسم ، شيخ هذه الطائفة وفقهها و

وجهها .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۱۷۷ .

شيخ طوسی می فرماید :

سعد بن عبد الله القمي ، یکنی ابا القاسم ، جلیل القدر ، واسع الاخبار ، کثیر التصانیف ، ثقة

الفهرست ، الشیخ الطوسی ، ص ۱۳۵ .

۶ . **احمد بن محمد بن عیسی** : مرحوم نجاشی و شیخ طوسی در باره وی می‌فرمایند :

أحمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله ... یکنی ابا جعفر ، وأول من سكن قم من آباءه سعد بن مالك بن الأحوص ... وأبو جعفر رحمه الله شیخ القمیین ، ووجههم ، وفقیهم ، غیر مدافع .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۸۲ و الفهرست ، الشیخ الطوسی ، ص ۶۸ .

۷ . **علی بن الحکم** : شیخ طوسی در باره وی می‌فرماید :

علی بن الحکم الکوفی ، ثقة ، جلیل القدر .

الفهرست ، الشیخ الطوسی ، ص ۱۵۱ .

پس تا این جا سند روایت قطعاً تمام و تمامی روات آن از برترین روات حدیث شیعه بوده‌اند .

۸ . **سیف بن عمیره** : وی یکی از دو نفری است که شیخ طوسی سند اصل زیارت عاشورا را

از ایشان نقل می‌کند . در وثاقت او هیچ شک و شبهه‌ای نیست ؛ چنانچه مرحوم نجاشی در باره وی می‌گوید :

سیف بن عمیره النخعی عربی ، کوفی ، ثقة ، روی عن ابي عبد الله وأبي الحسن علیهما

السلام . له کتاب یرویه جماعات من أصحابنا .

رجال النجاشی ، النجاشی ، ص ۱۸۹ .

و مرحوم شیخ طوسی رحمت الله علیه نیز می‌فرماید :

[۳۳۳] ۲ ، سیف بن عمیره ، ثقة ، کوفی نخعی عربی . له کتاب ، أخبرنا به عدة من

أصحابنا ، عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه ، عن أبيه ومحمد بن الحسن ، عن سعد بن عبد الله ، عن أحمد بن محمد ، عن علی بن الحکم ، عن سیف بن عمیره .

الفهرست ، الشیخ الطوسی ، ص ۱۴۰ .

پس با این تفصیل ، سند روایت تا این جا صحیح است ؛ چون حتی اگر کسی به صالح بن

عقبه اشکال کند ؛ از آن جایی که در این طبقه سیف بن عمیره نیز وجود دارد ، سند روایت تمام و هیچ مشکلی ندارد .

۹ . **علقمه بن محمد الخضرمی** : در سند قبلی وضعیت وی روشن شد .

ضمن این که از روایت صفوان به خوبی روشن می‌شود که وی روایت علقمه را نیز تصحیح

می‌کند ؛ آن جا که می‌فرماید :

فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم عاشوراء ، ثم صلى ركعتين عند رأس أمير المؤمنين عليه السلام وودع في دبرها أمير المؤمنين وأوماً إلى الحسين بالسلام منصرفاً وجهه نحوه وودع . وكان فيما دعا في دبرها : يا الله يا الله يا الله يا محبيب دعوة المضطرين ...

پس صفوان دعای زیارت را خواند که علقمه آن را از ابو جعفر علیه السلام در روز عاشورا روایت کرده بود ، سپس در بالای قبر مطهر امیر مومنان علیه السلام دو رکعت نماز خواند و در پایان با امیر مومنان وداع کرد و به امام حسین علیه السلام در حال خروج اشاره کرد و وداع کرد . و به دنبال آن دعای معروف به دعای علقمه را خواند .

و بعد سیف بن عمیره در آخر روایت می گوید :

فسألت صفوان ، فقلت له : إن علقمة بن محمد الحضرمي ، لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر عليه السلام إنما أتانا بدعاء الزيارة ، فقال صفوان : وردت مع سيدي أبي عبد الله عليه السلام إلى هذا المكان ، ففعل مثل الذي فعلناه في زيارتنا ، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع .

مصباح المتهجد ، الشيخ الطوسي ، ص ۷۷۷ ، ۷۸۱ .

پس از صفوان سوال کردم که : علقمه بن محمد این دعا را برای ما از امام باقر علیه السلام نیاورده بود ؛ تنها دعای زیارت را آورده بود ؛ پس صفوان گفت : همراه با سرورم امام صادق علیه السلام به این مکان وارد شدم ؛ پس همانند آن را که در زیارتان انجام دادیم انجام داد و این دعا را در هنگام وداع خواند .

این روایت صراحت دارد در تأیید ، صفوان بن مهران ، زیارت عاشورایی را که علقمه نقل کرده است ، فقط تنها تفاوتی که دارد ، در دعای بعد از زیارت است که علقمه نقل نکرده ؛ ولی صفوان آن را از امام صادق علیه السلام نقل می کند .

سند سوم :

شیخ طوسی ، زیارت عاشورا با سند دیگر به این صورت نقل می فرماید :

وروی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال : خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعندنا جماعة من أصحابنا إلى الغري بعد ما خرج أبو عبد الله عليه السلام فسرنا من الحيرة إلى المدينة فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبد الله الحسين عليه السلام فقال لنا : تزورون الحسين عليه السلام من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين عليه السلام من ههنا أوماً إليه أبو عبد الله الصادق عليه السلام وأنا معه قال : فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم عاشوراء .

و محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت می کند که گفت : بعد از آنکه امام صادق علیه السلام بیرون رفتند ، همراه با صفوان بن مهران شتر دار ، به سمت نجف رفتیم و عده ای هم ما را همراهی می کردند . پس از راه حیره به شهر نجف رفتیم . وقتی از زیارت فارغ شدیم صفوان روی خود را به سمت حرم امام حسین علیه السلام کرد و به ما گفت

: امام حسین علیه السلام را از اینجا از کنار سر امیر مومنان زیارت می کنید؟ از همین جا امام صادق علیه السلام (به سمت کربلا) اشاره کرد و من همراه او بودم؛ پس صفوان زیارتی را که علقمه آن را از امام باقر در روز عاشورا روایت کرده بود خواند.

مصباح المتعجد، الشيخ الطوسی، ص ۷۷۷.

مرحوم شیخ طوسی، این روایت را از کتاب محمد بن خالد الطیالسی نقل می فرماید و طریق خود را تا وی این گونه بیان می فرماید:

محمد بن خالد الطیالسی. له کتاب، رویناه عن الحسن بن عیید الله، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبیه، عن محمد بن علی بن محبوب، عنه.

پس سند روایت این گونه خواهد شد:

شیخ طوسی، حسین بن عیید الله الغضائری، احمد بن محمد بن یحیی، محمد بن یحیی الططار، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن خالد الطیالسی، سیف بن عمیره، صفوان بن مهران الجمال، امام صادق علیه السلام.

بررسی روت سند:

۱. حسین بن عیید الله غضائری:

وی از مشایخ مرحوم شیخ طوسی و مرحوم نجاشی بوده اند؛ چنانچه مرحوم نجاشی می فرماید:

الحسین بن عیید الله بن إبراهيم الغضائري أبو عبد الله، شيخنا رحمه الله. رجال النجاشی، النجاشی، ص ۶۹.

و مرحوم شیخ طوسی نیز می فرماید:

الحسین بن عیید الله الغضائري، یکنی أبا عبد الله، كثير السماع، عارف بالرجال، وله تصانيف ذكرناها في الفهرست، سمعنا منه وأجاز لنا بجميع رواياته، مات سنة أحدى عشرة وأربعمائة.

رجال الطوسی، الشيخ الطوسی، ص ۴۲۵.

و همان طور که در ترجمه ابن ابی جید گفتیم، اساتید و شیوخ مرحوم نجاشی بالاتفاق ثقه هستند و نیازی به توثیق ندارند؛ چنانچه مرحوم آقای خوبی رضوان الله تعالی علیه می فرماید: أنه شيخ النجاشي وجميع مشايخه ثقات.

معجم رجال الحديث، السيد الخوئی، ج ۷، ص ۲۳.

وی استاد نجاشی است و تمامی اساتید نجاشی مورد وثوق هستند.

۲. احمد بن محمد بن يحيى : برای اثبات وثاقت این شخص ، می توان به دلایل ذیل استناد کرد :

اولاً : وی از مشایخ مرحوم صدوق رحمت الله علیه است و شیخ صدوق از او روایات فراوانی را نقل کرده و بعد از نام ایشان از جمله « رضی الله عنه » استفاده کرده که این خود دلیل بر وثاقت این شخص است . با تتبع که در برخی از کتاب‌های شیخ صدوق به عمل آمد ، وی در کتاب‌های مختلف خود بیش از هشتاد بار این جمله را تکرار کرده‌اند :

« حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار رضي الله عنه . »

این نشان می‌دهد که شیخ صدوق به این شخص اعتماد داشته است و گرنه این همه روایت از او نقل نمی‌کرد و بعد از هر بار نام بردن از او ، از جمله «رضی الله عنه» استفاده نمی‌کرد .

ثانياً : وی از مشایخ الإجازة بوده است که بسیاری از علمای علم رجال تمام مشایخ الإجازة را موثق می‌دانند ؛ چنانچه محقق بحرانی در این باره می‌فرماید :

مشایخ الإجازة في أعلى طبقات الوثاقة والجلالة .

معراج أهل الكمال ، ص ۴۴ .

مشایخ اجازة در بالاترین مرتبه اطمینان و بزرگی مقام هستند .

و نیز می‌نویسد :

إنه لا ينبغي أن يرتاب في عدالة شيوخ الإجازة .

معراج أهل الكمال ، ص ۸۸ .

نباید در عدالت مشایخ اجازة شک کرد .

و علامه وحید بهبهانی می‌نویسد :

إن المتعارف عدّه من أسباب الحسن، وربما يظهر من جدّي - رحمه الله - دلالة على

الوثاقة .

الفوائد الرجالية ، ص ۴۴، المطبوع في آخر رجال الخاقاني .

آنچه که مرسوم است شمردن شیخ اجازة بودن از اسباب حسن حدیث است . و از اقوال پدر بزرگم چنین به دست می‌آید که شیخ اجازة بودن دلالت بر وثاقت او هم دارد .

مرحوم شهید ثانی رضوان الله تعالی علیه می‌نویسد :

لا يحتاج أحد من هؤلاء المشايخ المشهورين إلى تنصيص على تزكية ، ولا بينة على عدالة ،

لما اشتهر في كل عصر ، من ثقتهم وضبطهم وورعهم ، زيادة " على العدالة وإنما يتوقف على التزكية

، غير هؤلاء من الرواة ، الذين لم يشتهروا بذلك ككثير ممن سبق على هؤلاء ، وهم طرق الأحاديث المدونة في الكتب غالبا .

الرعاية في علم الدراية (حديث) ، الشهيد الثاني ، ص ١٩٢ - ١٩٣ .
هیچ یک از شیوخ مشهور احتیاج به تصریح به وثاقت و اقامه دلیل برای اثبات عدالت ندارند ؛ زیرا در هر زمانی ، علاوه بر عدالت آنها ؛ مورد اعتماد بودن ، حافظه قوی و ورع آنها مشهور بوده است . و تنها کسانی غیر آنها ، احتیاج به تصریح به وثاقت دارد ، کسانی که به این مطلب شهره نیستند . مانند بسیاری از کسانی که گذشت . شیوخ اجازه ، طریق آنها به کتاب های روائی بوده اند .

و مرحوم میرداماد نیز می نویسد :
أن مشيخة المشايخ الذين هم كالأساطين والأركان أمرهم أجل من الاحتياج إلى تزكية مزك ،
و توثيق موثق . ولقد كنا أثبتنا ذلك فيما قد أسلفناه بما لا مزيد عليه .

الرواشح السماوية ، میرداماد محمد باقر الحسيني الأستر آبادی ، ص ٢٦١ .
مشایخ اجازه ، همان هایی که از استوانه ها و ارکان به شمار می روند ، فراتر از آن هستند که احتیاج به تصریح به وثاقت داشته باشند . ما پیش از این ، آن را ثابت کرده ایم .

ثالثاً : بسیاری از علما حکم به صحت روایت ایشان کرده و او را توثیق کرده اند ؛ از جمله
مرحوم علامه مجلسی می نویسد :

احمد بن محمد بن يحيى العطار ، من مشايخ الإجازة ، و حكم الأصحاب بصحة حديثه ،
يروى عنه الشيخ بتوسط ابن الغضائري و ابن أبي جيد .

الوجيزه في علم الرجال ، ص ١٥٤ .
احمد بن محمد عطار ، از مشایخ اجازه است و علما حکم به صحت روایت وی کرده اند ؛ شیخ از او با واسطه
ابن غضائری و ابن ابی جید روایت نقل می کند .

و همچنین علامه حلی در فائده هشتم از کتاب خلاصه الأقوال ، طریق شیخ صدوق به عبد
الرحمن بن أبي نجران و عبد الله بن أبي يعفور را تصحیح می کند ؛ در حالی که در هر دو طریق ،
احمد بن محمد یحیی عطار وجود دارد . این مطلب نشان دهنده آن است که وثاقت این شخص در
نزد علامه حلی محرز بوده است .

و نیز مرحوم شهید ثانی رحمت الله علیه با قاطعیت تمام ، حکم به وثاقت این شخص
می کند . وی در تمییز روات همانم که ممکن است کسی خیال کند ، یک نفر هستند ، می نویسد :
وفائدة معرفته : خشية أن يظن الشخصان ، شخصا " واحدا " ... منهم ، محمد بن يحيى العطار
القمي . ومنهم ، محمد بن يحيى الخزاز بالخاء المعجمة والزاء قبل الألف وبعدها . ومحمد بن يحيى
بن سليمان الخثعمي الكوفي . والثلاثة ثقة .

الرعاية في علم الدراية (حديث) ، الشهيد الثاني ، ص ٣٧١ .

و فایده دیگر در شناخت این مطلب است که ممکن است دو نفر را یک نفر گمان کند: از جمله آنها محمد بن یحیی العطار قمی و محمد بن یحیی خزاز و محمد بن یحیی بن سلیمان خثعمی کوفی است که هر سه نفرشان مورد اطمینان هستند.

و میرداماد استر آبادی می نویسد:

ثم إن لمشايقنا الكبراء مشيخة يوقرون ذكرهم ، ويكثر من الرواية عنهم ، والاعتناء بشأنهم ، ويلتزمون إرداف تسميتهم بالرضية عنهم ، أو الرحمة لهم ألبتة فأولئك أيضا ثبت فخماء ، وأثبت أجلاء ، ذكروا في كتب الرجال أو لم يذكروا ، والحديث من جهتهم صحيح معتمد عليه ، نص عليهم بالتزكية والتوثيق أو لم ينص ... وكأشياخ الصدوق ابن الصدوق عروة الإسلام أبي جعفر محمد بن علي بن بابويه رضوان الله تعالى عليهما : ... وأحمد بن محمد بن يحيى العطار أحد شيوخ التلعكبري ذكره الشيخ في كتاب الرجال .

الرواشح السماوية ، ميرداماد محمد باقر الحسيني الأستر آبادي ، ص ١٧١ - ١٧٢ .

برای اساتید بزرگ ما ، اساتیدی است که یاد ایشان را گرامی می دارند ؛ و بسیار از ایشان روایت می کنند و به مقام ایشان توجه می کنند و هر زمان نام ایشان را می آورند در کنار آن رضی الله عنهم می گویند ، یا برای ایشان طلب رحمت می کنند . پس ایشان نیز مورد اطمینان و بزرگ هستند ، چه در کتب رجال ذکر شده باشند و چه نشده باشند . و روایت از جهت ایشان درست و مورد اعتماد است ؛ چه ایشان را توثیق کرده باشند و چه نکرده باشند ... مانند اساتید شیخ صدوق فرزند راستگو و ریسمان محکم اسلام ، ابو جعفر محمد بن علی ... و احمد بن محمد بن یحیی العطار یکی از اساتید تلکبری است که شیخ او را در کتاب رجال ذکر کرده است .

و شیخ بهائی نیز می فرماید :

قد يدخل في أسانيد بعض الأحاديث من ليس له ذكر في كتب الجرح والتعديل بمدح ولا قدح غير أن أعظم علمائنا المتقدمين قدس الله أرواحهم قد اعتنوا بشأنه وأكثروا الرواية عنه وأعيان مشايخنا المتأخرين طاب ثراهم قد حكموا بصحة روايات هو في سندها والظاهر أن هذا القدر كاف في حصول الظن بعدالته وذلك مثل ... أحمد بن محمد بن يحيى العطار فإن الصدوق يروي عنه كثيرا وهو من مشايخه والواسطة بينه وبين سعد بن عبد الله .

مشرق الشمسين ، البهائي العاملي ، ص ٢٧٦ .

گاهی در سند برخی روایات کسی است که از او مدح یا ذمی در کتب جرح و تعدیل نیامده است ؛ غیر از اینکه بزرگان علمای ما به مقام ایشان توجه داشته اند و از ایشان بسیار روایت کرده اند ؛ و یا بزرگان علمای متأخرین حکم به صحت روایاتی کرده اند که ایشان در سند آن بوده اند . و ظاهر آن است که این مقدار در گمان پیدا کردن به عدالت ایشان کفایت می کند . همانند : ... احمد بن محمد بن یحیی العطار ؛ که صدوق از وی بسیار روایت می کند و او از اساتید صدوق است و او واسطه بین شیخ و سعد بن عبد الله است .

با این تفصیل ، هیچ شکی در وثاقت این شخص باقی نمی ماند .

۳. محمد بن يحيى العطار : وى استاد مرحوم شيخ كلينى رضوان الله تعالى عليه است كه روايات بسيارى از طريق او نقل كرده است . مرحوم نجاشى در باره او مى فرمايد :

محمد بن يحيى أبو جعفر العطار القمي ، شيخ أصحابنا في زمانه ، ثقة ، عين ، كثير الحديث

رجال النجاشى ، النجاشى ، ص ۳۵۳ .

و شيخ طوسى مى فرمايد :

محمد بن يحيى العطار ، روى عنه الكليني ، قمي ، كثير الرواية .

رجال الطوسى ، الشيخ الطوسى ، ص ۴۳۹ .

۴. محمد بن على بن محبوب : مرحوم نجاشى در توصيف او مى نويسد :

محمد بن علي بن محبوب الأشعري القمي أبو جعفر ، شيخ القميين في زمانه ، ثقة ، عين ،

فقيه ، صحيح المذهب .

رجال النجاشى ، النجاشى ، ص ۳۴۹ .

۵. محمد بن خالد الطيالسى :

وى از اصحاب امام كاظم عليه السلام بوده است . شيخ طوسى رحمت الله عليه مى نويسد :

محمد بن خالد الطيالسي ، يكنى أبا عبد الله ، روى عنه حميد أصولا كثيرة .

رجال الطوسى ، الشيخ الطوسى ، ص ۴۴۱ .

اين جمله در حق او ، مدحى جليل و عظيمى است كه حد اقل حسن او را ثابت مى كند .

از اين نيز كه بگذريم ، بسيارى از بزرگان شيعة از او روايت نقل كرده اند ؛ از جمله :

على بن الحسن بن فضال ؛ سعد بن عبد الله القمى ؛ حميد بن زياد ؛ على بن إبراهيم القمى

؛ محمد بن على بن محبوب ؛ محمد بن يحيى المعادى ؛ معاوية بن حكيم و...

همه اين ها اين بزرگواران از برترين عالمان حديث در تاريخ شيعة بوده اند كه نشان مى دهد

محمد بن خالد الطيالسى و جاهت و منزلت زيادى در نزد آن ها داشته است .

۶. سيف بن عميره :

وثاقت او را در سند قبلى بررسى كرديم .

۷. صفوان بن مهران الجمال :

صفوان بن مهران بن المغيرة الأسدي مولا هم ثم مولى بني كاهل منهم ، كوفي ، ثقة .

رجال النجاشى ، النجاشى ، ص ۱۹۸ .

نتیجہ کسری:

مرحوم شیخ طوسی ، در مجموع سه سند ذکر می کند که هر کدام از آنها را به صورت مستقل بررسی کردیم . در مجموع هر سه سند ، در هر طبقه بیش از یک نفر وجود دارد :

طبقه اول : علقمه بن محمد الخضرمی و صفوان بن مهران الجمال ؛

طبقه دوم : سیف بن عمیره و صالح بن عقبه ؛

طبقه سوم : محمد بن اسماعیل بن بزيع ، علی بن الحکم و محمد بن خالد الطیالسی .

حتی اگر وثاقت علقمه در طبقه اول قطعی نشود ، با وجود صفوان در این طبقه ، سند روایت صحیح خواهد شد . و در طبقه دوم اگر وثاقت صالح بن عقبه ثابت نشود ، با وجود سیف بن عمیره ، جبران می شود و همچنین در طبقه سوم حتی اگر بر فرض این که محمد بن خالد مجهول باشد ، با وجود محمد بن اسماعیل بن بزيع و علی بن الحکم سند روایت صحیح است و هیچ مشکلی ندارد .

اسناد این قولیه:

این قولیه نیز در ثواب زیارت عاشورا می نویسد :

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَصَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ جَمِيعًا عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مَالِكِ الْجَهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ ع يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ، حَتَّى يَظُلَّ عِنْدَهُ بِأَكْبَا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِي [أَلْف] حِجَّةٍ وَ أَلْفِي [أَلْف] عُمْرَةٍ وَ أَلْفِي أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ ثَوَابِ كُلِّ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثَوَابٍ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ غَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَعَ الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

... از امام باقر علیه السلام که فرمودند : هرکس قبر حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند تا اینکه گریان شود ، خداوند را در روز قیامت با ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد و ثواب هر حج و عمره و جهادی مانند کسی است که حج و عمره و جهاد را با رسول خدا و ائمه هدایت گرانجام داده باشد .

و بعد در سند اصل زیارت عاشورا می نویسد :

قَالَ صَالِحُ بْنُ عَقْبَةَ الْجَهَنِيُّ وَ سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زَرْتَهُ مِنْ قَرِيبٍ وَ دُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قَرِيبٍ وَ أَوْمَاتُ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ وَ مِنْ سَطْحِ دَارِي بِالسَّلَامِ قَالَ يَا عَلْقَمَةُ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ

رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُوْمِيَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَقُلْتَ عِنْدَ الْإِيمَاءِ إِلَيْهِ وَ مِنْ بَعْدِ الرَّكَعَتَيْنِ هَذَا الْقَوْلَ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَكَ مِائَةَ أَلْفِ [أَلْفِ] دَرَجَةٍ وَ كُنْتَ مِمَّنِ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى تَشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا مَعَهُ وَ كَتَبَ لَكَ ثَوَابَ كُلِّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ زِيَارَةَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَ مِنْذُ يَوْمِ قَتْلِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

کامل الزیارات ، جعفر بن محمد بن قولویه ، ص ۳۲۵ - ۳۲۸ .

علقمه بن محمد حصرمی می گوید: محضر مبارک ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: دعائی به من تعلیم فرمائید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشاره سلام دادم آن را بخوانم .

حضرت فرمودند: ای علقمه ! بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعاء و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با حضرت حسین بن علی علیهما السلام شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار می دهد و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به الآن نموده اند را برایت می نویسد .

حضرت سلام الله علیه به علقمه فرمودند : در زیارت ابا عبد الله الحسين روز عاشوراء بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می باشد ...

پس در حقیقت روایت با سه سند نقل شده است :

الف : حکیم بن داود بن حکیم وغیره ، عن محمد بن موسی الهمدانی ، عن محمد بن خالد الطیالسی ، عن سیف بن عمیره عن علقمه بن محمد الحصرمی .

ب : حکیم بن داود بن حکیم وغیره ، عن محمد بن موسی الهمدانی ، عن محمد بن خالد الطیالسی ، عن صالح بن عقبه ، عن علقمه بن محمد الحصرمی .

ج : محمد بن اسماعیل ، عن صالح بن عقبه ، عن مالک الجهنی ، عن ابی جعفر الباقر (علیه السلام) .

در سند سوم دو احتمال است : یکی این که محمد بن قولویه ، زیارت عاشورا را از کتاب محمد بن اسماعیل نقل کرده باشد ؛ چنانچه مرحوم شیخ طوسی نیز از کتاب او نقل کرده بود که

در این صورت سند روایت تا محمد بن اسماعیل و بعد از آن صالح بن عقبه درست خواهد شد . و احتمال دوم این که محمد بن اسماعیل نیز به محمد بن خالد الطیالسی عطف باشد که در آن صورت سند این گونه می‌شود :

حکیم بن داود ، محمد بن موسی الهمدانی ، محمد بن خالد الطیالسی ، محمد بن اسماعیل بن بزيع ، صالح بن عقبه ، مالک الجهنی .

البته این احتمال بسیار بعید به نظر می‌رسد ؛ چون این احتمال قوی‌تر است که کتاب محمد بن اسماعیل در آن زمان معروف بوده و شیخ طوسی و ابن قولویه هر دو از این کتاب زیارت را نقل کرده باشند .

و از آن جایی که مرحوم ابن قولویه علیه در مقدمه کتاب می‌فرماید :
وقد علمنا انا لا نحيط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى ولا في غيره ، لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته ، ولا أخرجت فيه حديثا روي عن الشاذ من الرجال ، يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم .

کامل الزیارات ، جعفر بن محمد بن قولویه ، ص ۳۷ .
من به تمامی روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در باره زیارت و غیر آن نقل شده است ، احاطه ندارم ؛ ولی هر آن چه را که در این کتاب آورده‌ام ، از طریق افراد موثق از اصحاب ما است و هیچ روایتی را که از افراد مجهول که اخبار ائمه را از راویان غیر معروف در روایات و غیر مشهور در علم و حدیث گرفته‌اند ، نقل نکرده‌ام .

بنابراین تمام روات موجود در اسانید کتاب نیز ابن قولویه مورد وثوق هستند ؛ چنانچه آقای خوبی در این باره می‌فرمایند :

فإنك ترى أن هذه العبارة واضحة الدلالة على أنه لا يروي في كتابه رواية عن المعصوم إلا وقد وصلت إليه من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله .

معجم رجال الحديث ، السيد الخوئی ، ج ۱ ، ص ۵۰ .
این عبارت ، دلالت روشنی دارد بر این که ابن قولویه روایتی را از معصومین علیهم السلام نقل نکرده است ؛ مگر این که از افراد موثق از اصحاب ما باشد .

و شیخ حر عاملی نیز بعد از این که به وثاقت روات تفسیر علی بن ابراهیم شهادت می‌دهد ، در باره روات کامل الزیارات می‌گوید :

وكذلك جعفر بن محمد بن قولويه فإنه صرح بما هو أبلغ من ذلك في أول مزاره .
وسائل الشيعة (آل البيت) ، الحر العاملي ، ج ۳۰ ، ص ۲۰۲ .
و همچنین جعفر بن محمد بن قولویه به وثاقت روات کامل الزیارات شهادت داده است و تصریح او در اول کتاب کامل الزیارات نسبت به تصریح علی بن ابراهیم رساتر است .

نتیجه گیری:

زیارت عاشورا از نظر سندی هیچ مشکلی ندارد و علاوه بر این ، زیارت عاشورا از زیارت‌هایی است که تمامی علمای شیعه بلا استثنا در طول تاریخ بر خواندن آن تأکید کرده و خود نیز بر قرائت هر روز آن مواظبت می‌کردند . و روایتی که مورد قبول تمامی علمای شیعه از قدیم الایام تا کنون بوده است ، نیازی به بررسی سندی ندارد ؛ هر چند که ثابت کردیم از نظر سندی هم مشکلی ندارد .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)